

درس خارج
فقه نظام عمران شهری
جلسه ۲۴ (راه‌ها ۲)

۹۴/۰۹/۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

بحث در مطلب نهم از مطالب مربوط به فقه شهرسازی است. در مطلب هشتم به بحث حریم‌ها پرداختیم؛ بیان شد که در روایات وارده از طرف حضرات معصومین علیهم‌السلام اشاره به حریم‌های زیادی شده است. ما تعدادی از این حریم‌ها را بحث کرده و بیان کردیم که از این روایات استفاده می‌شود که به‌طور کل برای هر چیزی باید حریمی را رعایت کرد. ملاک حریم هم عدم تضرر و اضرار است؛ یعنی هم صاحب حریم و هم دیگران از صاحب حریم نباید ضرر ببینند. این ملاک حریم‌هاست و آنجایی هم که حریمی معین شده نظر به همین نقطه است که نه صاحب حریم ضرر ببیند و نه دیگری از صاحب حریم ضرر ببیند.

به مبحث مطلب نهم رسیدیم که بحث ضوابط و قواعد راه‌ها بود؛ در اینجا بحث کردیم که در فقه شیعه درباره راه‌ها قواعد و ضوابطی معین شده است که باید این قواعد و ضوابط را بررسی کنیم. پیش از اینکه ضوابط آن را دسته‌بندی کنیم، ابتدا باید روایات باب راه‌ها را مطالعه کنیم و ببینیم که در زمینه راه‌ها چند نوع و دسته روایت در این باب وارد شده است.

دسته اول از روایاتی -که در جلسه قبل مطرح شد- که در ممنوعیت سد معبر و بستن راه‌ها وارد شده است که روایات زیادی هم است، از قبیل:

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْأَوْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ثَلَاثُ مَلْعُونٍ مَن فَعَلَهُنَّ الْمُتَعَوِّطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ وَالْمَانِعُ الْمَاءِ الْمُتَنَابَ وَ سَادُّ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ.»^۱

سه نفر از سوی خدا متعال ملعون هستند؛ کسی که محل نزول کاروان‌های مسافری را محل توالی خود قرار دهد، دوم کسی که مانع استفاده مردم از آب آن‌ها شود و سوم کسی که راه رفت و آمد مردم را ببندد. پس سد راه مردم حرام است.

روایات دیگری هم خواندیم؛ «مَنْ سَدَّ طَرِيقاً بَتَرَ اللَّهُ عُمَرَهُ» بود به این معنا که خدا عمر کسی را که راهی را سد کند، قطع می‌کند یعنی این کار موجب کوتاهی عمر او می‌شود. در روایت سوم هم آمده است که یکی از ذنوبی که مرگ را زودرس می‌کند، سد طریق المسلمین است.

بحث این قسمت در دسته دوم از روایات است؛ دسته دوم درباره نهی از اعمال و رفتارها و کارهایی است که موجب سد راه شود ولو سد جزئی. یعنی این دسته از روایات درباره سد راه به‌طور کامل نیست اما درباره

معبر مردم است؛ مثلاً کسی در راهی که معبر است نماز بخواند، ولو اینکه همه راه را نگیرد و اما همین که بخشی از راه را هم بگیرد ممنوع است، حالا نماز بخواند یا کار دیگری کند. در این زمینه روایات زیادی وارد شده است، من جمله این روایت است که هم مرحوم شیخ کلینی، هم مرحوم شیخ صدوق و هم مرحوم برقی آن را نقل کرده‌اند:

«عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ ابْنِ الْبَرَقِيِّ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: عَشْرَةٌ مَوَاضِعَ لَا يَصَلِّي فِيهَا: الطِّينُ، وَالْمَاءُ، وَالْحَمَامُ، وَالْقُبُورُ، وَمَسَانُ الطَّرِيقِ، وَفُرى التَّمَلِّ، وَمَعَاطِنُ الْإِلِيلِ، وَمَجْرَى الْمَاءِ، وَالسَّبَخُ، وَالتَّلَجُ.»^۲

ده محل است که نباید در آن‌ها نماز خواند زیرا محل نماز نیستند؛ گل، آب، حمام، بین قبور، «وَمَسَانُ الطَّرِيقِ» این موضع شاهد ماست، یعنی وسط راه‌ها، خانه مورچه‌ها، جای نگهداری شتران، نمکزار و روی برف. این‌ها محل‌هایی است که جای نماز خواندن نیست. از جمله مواردی که در این روایت ذکر شده است «وَمَسَانُ الطَّرِيقِ» است.

روایت دیگر هم مرحوم شیخ کلینی روایت می‌کند. امتیاز این روایت آن است که یک قاعده کلی به دست ما می‌دهد:

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ (الْفَضِيلِ) قَالَ: قَالَ الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ طَرِيقٍ يُوطَأُ وَيُتَطَرَّقُ كَانَتْ فِيهِ جَادَّةٌ أَمْ لَمْ تَكُنْ لَا يَنْبَغِي الصَّلَاةُ فِيهِ قُلْتُ فَأَيُّ أَصْلِي قَالَ يَمْنَةً وَيَسْرَةً.»^۳

هر راهی که محل عبور مردم است و مردم گامشان را در آن راه می‌گذارند، -یوطئ، یعنی در آن گام می‌گذارد، يتطرق یعنی مردم از آن طریق عبور می‌کنند- چه اینکه در آن جاده زده باشد چه نزده باشد اما راه مردم است و نماز خواندن در آن قبول نیست. پس اگر بخواهید در راه نماز بخوانید باید در حاشیه راه این کار را انجام دهید.

روایت بعدی را مرحوم برقی در محاسن به سند صحیح روایت می‌کند:

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدِ الْبَرَقِيِّ فِي الْمَحَاسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (يعني يا امام باقر يا امام صادق) عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الصَّلَاةِ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ فَقَالَ لَا تُصَلِّ عَلَى الْجَادَّةِ وَصَلِّ عَلَى جَانِبَيْهَا.»^۴

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۱۴۲

۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۱۴۷ و ۱۴۸

۴. همان، ح ۸

از حضرت پرسیدم بر پشت راه - ظهر یعنی پشت، منظور جایی که معبر مردم است - می توانم نماز بخوانم یا نه؟ حضرت فرمود: در راه نماز نخوانید بلکه در طرفین راه نماز بخوانید.

روایت دیگر را مرحوم شیخ صدوق در ذیل حدیث المناهی روایت می کند. حدیث المناهی یک حدیثی است که مرحوم شیخ صدوق از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که متضمن موارد زیادی از ممنوعات و چیزهایی که در شرع ممنوع شده است؛ از جمله این موارد:

«الصَّادِقُ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ تُجَصَّصَ الْمَقَابِرُ وَ يُصَلَّى فِيهَا وَ نَهَى أَنْ يُصَلَّى الرَّجُلُ فِي الْمَقَابِرِ وَ الطَّرِيقِ وَ الْأُرْحَةِ وَ الْأُودِيَةِ وَ مَرَابِطِ الْإِبِلِ وَ عَلَى ظَهْرِ الْكُعْبَةِ.»^۵

از نماز خواندن در راهها، آسیابها (بر روی سنگ آسیاب)، دشتها، (منظور از دشت، دشت بین دو رشته کوه است به دلیل اینکه در معرض سیل و حادثه است)، جای نگهداری شتران، در پشت بام کعبه باید خودداری کرد.

روایت دیگر که باز به سند صحیح روایت شده است و هم مرحوم شیخ صدوق، هم برقی در محاسن به سند صحیح از امام صادق عليه السلام روایت کرده اند این است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ يَعْنِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِيَّاكُمْ وَ التَّعْرِيسَ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ وَ بَطُونِ الْأُودِيَةِ فَإِنَّهَا مَدَارِجُ السَّبَاعِ وَ مَأْوَى الْحَيَّاتِ.»^۶

بپرهیزید از تعریس. تعریس به معنای شب اُتراق کردن است، در زبان عرب اگر بخواهند شب اُتراق کنند می گویند عرس، تعریس. حضرت می فرماید اگر شب با کاروان مسافرت می کنید و می خواهید شبی را یک جایی اُتراق کنید، مواظب باشید که محل اُتراقتان در این محلها نباشد؛ در وسط راهها، در وسط دره شبها و در محل رفت و آمد درندگان اُتراق کنید. حالا نسبت به این روایت بالخصوص ممکن است کسی بگوید که روایت در مقام ارشاد به اجتناب از این خطر است و نمی توان از آن حکم مولوی فهمید. یعنی به دلیل اینکه تعلیل شده است یا نتیجه کار بیان شده است زیرا ممکن است آسیب ببینید، آسیب از طرف درندگان یا خزندگان. پس این روایت مثل این است که بگوید فلان غذا را نخور، زیرا اگر بخوری مریض می شوی؛ پس صرفاً یک حکم ارشادی است. اگر چنین باشد باید دانست که درست است که حکم ارشادی است اما حکم ارشادی به نتیجه است. اما در کل با توجه به روایات دیگر مبعوضیت این کار در نظر شارع فهمیده می شود.

۵. وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۱۵۹

۶. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص: ۴۳۱

در دسته دوم از روایات، ما نهی از کارهایی داشتیم که این کارها وسط راهها انجام می‌گیرد، ولو اینکه راه کلاً بسته نشود اما خود این کار وسط راه از نظر شرعی ممنوع است و از آن نهی شده است. بعد از این مجموعه روایات را خوب بررسی کنیم قواعد و ضوابط راهها به دستمان خواهد آمد؛ بعد وقتی می‌خواهیم یک راهی را برای مردم درست کنیم، باید طوری این راه را درست کنیم که اجتناب از این مسائل در آن صورت گرفته شود.

دسته سوم از روایات مربوط به راهها، روایاتی است که درباره ترتب زمان بر سد طریق دلالت دارد. زمان یعنی چه؟ روایاتی را که تاکنون خوانده‌ایم درباره حکم تکلیفی سد طریق بود؛ چه جزئی و چه کلی که بیان شد حکم تکلیفی آن ممنوع و حرام است. اما دسته سوم مطلب دیگری را بیان می‌کنند؛ سد طریق علاوه بر اینکه ممنوع و حرام است، موجب به عهده گرفتن ضرر مالی ناشی از این اشغال هم خواهد شد؛ یعنی اگر کسی راهی را اشغال کرد یا در راه کاری انجام داد که منشأ ضرر به کسی شود، باید این خسارت ناشی از سد طریق پرداخته شود و ضامن آن خسارت خواهد شد. این دسته سوم از روایات دسته‌ای است که درباره حکم وضعی سد طریق وارد شده است. مرحوم شیخ طوسی روایت می‌کند و روایت از نظر سندی صحیح است؛

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ أَضَرَّ بِشَيْءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ.»^۷

کسی که آسیبی به راه مسلمین وارد کند، -هر نوع آسیبی، چه آسیب به خود راه و چه آسیب به رونده راه باشد- ضامن خواهد بود؛ «فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ».

روایت دیگری که در همین باب وارد شده است روایتی است که مرحوم شیخ کلینی روایت می‌کند و سند این روایت هم صحیح است بلکه از آن روایاتی است که سند بسیار قوی دارد:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّيْءِ يُوضَعُ عَلَى الطَّرِيقِ فَتَمُرُّ الدَّابَّةُ فَتَنْفِرُ بِصَاحِبِهَا فَتَعْقُرُهُ فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ يُضَرُّ بِطَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ لِمَا يُصِيبُهُ.»^۸

از امام صادق عليه السلام سؤال کردم که کسی بارش یا چیز دیگری را در وسط راه می‌گذارد، بعد چهارپایی از این وسط رد می‌شود، کسی هم سوار این چهارپاست، چهارپا به این شیء برخورد کرده و رم می‌کند و سوار خود را به زمین می‌اندازد و او آسیب می‌بیند، -تتفر یعنی رم می‌کند، فتعقره یعنی صاحبش را به زمین می‌اندازد- حضرت فرمود: هر چیزی که به نحوی به راه مسلمین آسیب برساند صاحب آن ضامن است؛ صاحب این

۷. وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص: ۲۴۱

۸. وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص: ۲۴۳

وسیله‌ای که این آسیب را به راه مسلمین وارد کرده نسبت به هر حادثه‌ای که در این رابطه اتفاق بیفتد ضامن است. «ولو بعضاً» یعنی لازم نیست که همه راه را اشغال کرده باشد بلکه حتی اگر قسمتی از این راه را هم اشغال کرده است، ولی در نتیجه اشغال این راه مشکلی پیش بیاید او ضامن است.

لذا ما باید بر اساس این روایت و امثال آن بگوییم که حکام سعودی ضامن همه کشته شده‌های مناستند؛ زیرا آن‌ها سد راه کرده‌اند. سد راه کردنشان مسلم است، راه هم راه مسلمین بوده است و او سد راه کرده است و هرکسی که در نتیجه سد راه کردن دچار حادثه‌ای شود، ضامن هر حادثه‌ای است که در آنجا اتفاق افتاده است. در این بحث منابع اهل سنت هم همین مضمون را دارند، یعنی مخصوص منابع شیعه نیست و این مضمون در روایات اهل سنت هم هست که اگر سد طریق منشأ حادثه و آسیبی شد، آن کسی که سد طریق کرده است، ضامن خواهد بود.

روایات دیگر هم از همین دسته روایات، روایتی است که مرحوم شیخ کلینی روایت می‌کند، سند این روایت هم صحیح است، می‌فرماید:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَنْ أَخْرَجَ مِيزَاباً أَوْ كَنْيفاً أَوْ أَوْتَدَ وَتَدّاً أَوْ أَوْتَقَ دَابَّةً أَوْ حَفَرَ شَيْئاً فِي طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَصَابَ شَيْئاً فَعَطِبَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ.»^۹

این روایت خیلی جامع است؛ می‌فرماید کسی که ناودانی به راه مسلمین خارج کند، مثلاً خانه را ساخته است، اما این ناودان را بیرون از خانه‌اش بیاورد به‌طوری که وارد راه مردم شود، یا کنیفی (منظور از کنیف دستشویی یا توالت است) را در راه مردم بگذارد، یا میخی به ساختمان خودش بزند که این میخ در راه مردم باشد، یا دابة‌ای را در راه مردم ببندد، یا در راه مردم جایی را کنده و حفر کند، یا موانعی بگذارد، اگر این مانع‌ها منشأ ضرر شود، موجب ضمان او خواهد بود. پس مانع باید طوری باشد که موجب اضرار نباشد. البته این موضوع هم حکم تکلیفی دارد که کار حرامی کرده است و علاوه بر اینکه کار حرامی کرده است ضمان هم دارد؛ یعنی ضامن می‌شود و هر خسارتی که در نتیجه کار او ایجاد می‌شود، این شخص ضامن آن خسارت خواهد بود.

دسته چهارم از روایات مربوط به راه‌ها روایاتی است که دلالت بر حرمت تعدی و تجاوز به راه مسلمین و مردم دارد. اگر کسی از راهی که راه مردم است، قسمتی را بگیرد و آن را در خانه یا مغازه خود قرار دهد، این کار تجاوز به طریق محسوب می‌شود.

روایت اول روایتی است که مرحوم شیخ روایت می‌کند و روایت از نظر سند صحیح است و هیچ اشکالی بر آن وارد نیست:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رِبَاطٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْبُقْبَاقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الطَّرِيقُ الْوَاسِعُ هَلْ يُؤْخَذُ مِنْهُ شَيْءٌ إِذَا لَمْ يُضِرَّ بِالطَّرِيقِ قَالَ لَا.»^{۱۰}

از حضرت می‌پرسد: طریقی واسع است، -یک وقت راه کم و تنگ است، اما گاهی هم یک راه، راه واسعی است و مزاحمتی هم برای رفت و آمد مردم در آن درست نمی‌شود- آیا می‌توانم بخشی از این راه را بگیرم؛ ضرری هم به طریقی نمی‌زند. حضرت می‌فرماید: خیر. هر جا راه باشد حال چه راه واسع باشد یا ضیق، کسی حق ندارد از آن راه چیزی بگیرد.

روایت بعدی را مرحوم شیخ روایت می‌کند که آن هم صحیح است:

«وَعَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبَّاسٍ جَمِيعاً عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى دَاراً فِيهَا زِيَادَةٌ مِنَ الطَّرِيقِ قَالَ إِنْ كَانَ ذَلِكَ فِيمَا اشْتَرَى فَلَا بَأْسَ.»^{۱۱}

می‌گوید کسی خانه‌ای را خریده است و بخشی از این خانه را راه قرار داده است. حضرت می‌فرماید اگر این بخش از در ضمن آن ملکی است که خریده و جزئی از این ملک است، اشکال ندارد. یعنی اگر قبل از اینکه اینجا راه شود این قسمت جزء ملک این آقا بوده و بعد راه شده است، این اشکال ندارد و ملک اوست. از ذیل روایت که جمله شرطیه است و مفهوم دارد، می‌فهمیم که «إِنْ كَانَ ذَلِكَ فِيمَا اشْتَرَى فَلَا بَأْسَ» یعنی اگر آن راهی که ضمیمه این خانه شده است جزء ملک او نبوده است، حق ندارد آن را به عنوان قسمتی از ملکش بفروشد. اما اگر این طوری از قبل ملک او بود؛ لا بَأْسَ، پس اگر این طوری نبود، فیه بَأْسَ.

وصلی الله علی محمد و آله و سلم

۱۰. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۳۷۸

۱۱. همان، ح ۳